



انترناسیونال

۱۹۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۵ خرداد ۱۳۸۶، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود



جلیل جلیلی، کادر حزب پرچم حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار را به پایین میکشد

صفحه ۸



عبدالله اسدی و کیمیا پازوکی در حال سخنرانی در تحصن پناهجویان در استکهلم

صفحه ۸



شیث امانی، صدیق کریمی، دو رهبر کارگری به قدرت اعتراض مردم آزاد شدند

**در سالگرد
۳۰ خرداد،
هالوکاست اسلامی**
صفحه ۵

سفر اورنگا به ایران و "شغل شریف" گردانندگان بی بی سی



کازم نیکخواه

گنجی و خاتمی و جاریان و امثال اینها ساعتها تفسیرهای "مایه دار و بی طرفانه" در مدح جنبش اصلاحات و دموکراسی دوم خردادها به سوی جامعه پمپاژ کردند. اما این بار علیرغم بکارگیری آخرین دستاوردهای "علم" ژورنالیسم رسمی و "بستر اصلی" یعنی ژورنالیسم مزور و نوکر، کار چندان از پیش نبردند. اینکه چقدر میخواستند و میخواهند جمهوری اسلامی را نجات دهند با بالا و پایین شدن سیاست دولتهای غربی بالا و پایین شده است. اما یک چیز را بدون بالا پایین شدن دنبال میکردند و آن همان

صفحه ۲

کسانی که مثل من سن و سالشان قد میدهد بیاد می آورند که اول بار "بی بی سی" بخش فارسی بود که در بحبوحه تظاهراتهای صدها هزار نفره مردم علیه رژیم پهلوی که منجر به انقلاب ۵۷ شد، خمینی را با احترام "امام خمینی" لقب داد. پس از آن هم گردانندگان بخش فارسی بی بی سی زحمات بی دریغی کشیدند تا خمینی از یک آخوند گمنام کپک زده به رهبر بلاتنازع مردم تبدیل شود و امروز همه میدانند که این جزئی از دسیسه کار شده سازمانهای ضد اطلاعاتی و دولتهای غربی علیه انقلاب مردم در ایران بود. و الحق در این زمینه موفق هم بودند. این شغل "شریف" گردانندگان بی بی سی تا آنجا که به ضدیت و دشمنی با هرگونه حرکت و جنبش چپ و رادیکال و آزادیخواهانه مربوط میشود، همچنان ادامه دارد. در همین سالهای اخیر بی بی سی تلاش بسیاری کرد که چهره های دوم خردادی را به رهبران جامعه تبدیل کند. در این مورد نیز اینها الحق خوب مایه گذاشتند. با هر سرفه

۱۸ تیر روز اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی به استقبال این روز برویم



شهلا دانشفر

جنب و جوش سیاسی جامعه، طبعاً جایگاه سیاسی مهم تری پیدا کرده است. اکنون که به ۱۸ تیر نزدیک میشویم، باید به تدارک بر پایی اعتراضی با شکوه در این روز برویم.

صفحه ۴

۱۸ تیر یک روز مهم دیگر در تقویم روزهای اعتراضی مردم در ایران و روز نه به جمهوری اسلامی است. هجده تیر ۷۸ که نقطه عطفی در جنبش سرنگونی بود، در تداوم خود به روز اعتراض مردم علیه این رژیم تبدیل شده و امروز در اوضاع پر

نامه به تشکیلات خارج

صفحه ۵

خلیل کیوان

**نه بمب اتم، نه انرژی هسته ای
آلترناتیو دیگر چیست؟**

صفحه ۶

سعید پرتو

جامعه ایران جبهه فعال سوسیالیسم

**در برابر بربریت سرمایه است
سخنرانی اختتامیه حمید نقوائی در کنگره ششم**

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سفر اورتگا به ایران

چیزی بود که در انقلاب ۵۷ نیز دنبال کردند: میخواستند کارگر و چپ و آزادیخواهی را حاشیه ای کنند و برای جنبش اعتراضی یک بار دیگر رهبر بتراشند. و نتوانستند. روشن است که دست برداشته اند و بر نخواهند داشت. شغلشان همین است. دارند برای مهارت و تجربه شان در این زمینه نان میخورند.

تفسیر بسیار "عمیق" و ایضا "بیطرفانه" بی بی سی تحت عنوان "سفر اورتگا به ایران و دردسر چپهای ایرانی" که روز ۲۰ خرداد در سایت اینترنتی این رسانه آمده بود، در واقع نمونه جالبی از همین دست است. و در عین حال این را نشان میدهد که این بی بی سی است که در مواجهه با جنبش رشد یابنده چپ و سوسیالیستی دچار دردسر شده است.

چند مه پیش که اورتگا در انتخابات نیکاراکوئه در برابر کاندیداهای طرفدار آمریکا و غرب در حال پیروزی بود بخش فارسی بی بی سی وظیفه اش را این تعریف کرد که به شونندگان فارسی زبانش بگوید که این پیروزی سوسیالیستها و کمونیستها نیست چرا که اورتگا خود گفته است که "از دیدگاه مارکسیستی و انقلابی پیشین خود فاصله گرفته است". فعلا این مهم نیست که اورتگا چه گفته اما بهرحال بی بی سی ایشان را از صف چپها و کمونیستها جدا کرد تا بگوید مساله همین فاصله گرفتن است که باعث پیروزی شده است. اما وقتی ایشان به ایران سفر میکند بی بی سی یادش می افتد که ایشان چپ و سوسیالیست است و چپها و سوسیالیستهای ایرانی با سفر او دچار دردسر جدی شده اند! اما برای نشان دادن این "درد سر" مفسر بی بی سی خود را مجبور دیده است در یک صفحه تفسیر کذابی اش دست به چهار پنج تا جعل "کوچک" بزند.

ایشان مینویسد: "سوسیالیست های ارتدوکس ایرانی در عین حال، حامی پرو و پا قرص دولت های چپگرای آمریکای لاتین از جمله دولت های کوبا، ونزوئلا، پرو و نیکاراگوئه به شمار می روند، یعنی درست همان دولت هایی که با جمهوری اسلامی روابط گرم و صمیمانه ای دارند و رهبران آن از تکریم و تمجید آقای احمدی نژاد و سیاست های او پرهیز ندارند."

اینکه منظور ایشان از "سوسیالیستهای ارتدوکس" کیست وقتی روشن میشود که دقت کنیم که بحث بر سر رشد جنبش چپ و سوسیالیستی در دانشگاهها در میان دانشجویان است. یعنی همان دانشجویانی که پرچم "آزادی برابری" و "سوسیالیسم یا بربریت" و حمایت از کارگران را هرسال بلند میکنند و عکس احمدی نژاد را سال گذشته پیش چشمش پاره کردند و گفتند "فشیست برو گمشو". بی بی سی میخواهد بگوید که منظورش کسانی مثل اکثریتی ها و توده ای ها و چهره های مدعی چپ و محبوب بی بی سی نظیر رئیس دانا و امثالهم و آنها که در رسانه های رسمی ایران بنام سوپرچپ "مکتب فرانکفورت" و "پست مدرنیسم" و امثال اینها را تبلیغ میکنند، نیستند. بی بی سی با اینها مشکلی ندارد و اینها هم نه در دانشگاه و نه در اول مه های سوسیالیستی و جنبش های اعتراضی جایی ندارند. خودشان هم ادعایی نه بعنوان مارکسیست و ارتدوکس بودن دارند و نه در مورد حضور برجسته در حرکت های اعتراضی چپ و رادیکال دانشجویی و کارگری. بی بی سی با گفتن "ارتدوکس" در واقع حساب اینها را جدا میکند زیرا برای مقابله با همان سوسیالیستهای ارتدوکس هم بی بی سی و هم دولتهای فحیمه اروپایی به وجود اینها نیاز دارند و نباید گردی بدامانشان بنشینند. "ارتدوکس" اینجا یعنی کمونیست، یعنی رادیکال، یعنی مارکسیست.

با این حساب بی بی سی باید توضیح دهد که این طرفداری "پروپا قرص" سوسیالیستها و کمونیستهای ایرانی از دولتهای چپگرای آمریکای لاتین را از کجا آورده است و به کدام جریانات اشاره دارد. واقعیت اینست که در آمریکای لاتین اکنون یک دو جین دولتهای چپگرا بر سرکارند. اینها با هیچ تفسیری از مارکس و دیدگاههای کمونیستی، سوسیالیست نیستند و هیچ سوسیالیست ارتدوکسی به این مفهوم طرفدار پروپاقرص آنها نیست. اما بر سر کار آمدنشان دقیقا نشانه وجود یک جنبش گسترده و قدرتمند چپ و رادیکال و ضد سرمایه داری وسیع در آمریکای لاتین است. مردمی که به اورتگا و چاوز و مورالس و غیره رای میدهند و آنها

را با چنگ و دندان در برابر کودتا و توطئه های متعدد سیا و دولت آمریکا و همپیمانانش حفظ میکنند، دارند ضدیت عمیق خود با سرمایه داری و گرایش خود به چپ و سوسیالیسم را ابراز میکنند. این همان واقعیت زمینی و سرسختی است که گردانندگان بی بی سی و همه دولتهای غربی دوست ندارند قبول کنند و برای توضیح آن خود را با معضل و دردسر مواجه می بینند.

اینکه اورتگا و چاوز دست همیاری به سوی جمهوری اسلامی یعنی یک حکومت آشکارا ضد انسانی و ضد کارگری و ضد کمونیست و ضد هرگونه ارزشهای پیشرو دراز میکنند، هیچ کمونیست و سوسیالیستی را دچار دردسر نمیکند بلکه بیشتر مطمئن میسازد که اینها بیش از هر چیز همان ناسیونالیسم چپ ضد آمریکایی را نمایندگی میکنند و اگر بنام سوسیالیسم سخن میگویند بخاطر اینست که در دنیای اوایل قرن بیست و یکم علیرغم میل بی بی سی و دولت فحیمه اش، سوسیالیسم و چپگرایی یک بار دیگر زمینه رشد پیدا کرده است. این آن چیزی است که در تحولات آمریکای لاتین برای ما کمونیستها خوشحال کننده و امیدبخش است و برای بی بی سی و سیاستگزارانش مایه دردسر و نگرانی است. گردانندگان بی بی سی وقتی به دور و بر خود نگاه میکنند و دنیای امروز را می بینند از یک طرف رشد رادیکالیسم و چپ در آمریکای لاتین را شاهدند و از طرف دیگر عروج چپ در ایران را نظاره گر هستند. مشکل و معضل اینها اینجاست. از همین رو یک بار باید اورتگای به قدرت رسیده را به رشد چپ و سوسیالیسم در آمریکای لاتین بی ربط نشان دهند و بگویند "خودش گفته است از مارکسیسم دست برداشته است" و به همین دلیل رای آورده، و از سوی دیگر او را بعنوان مارکسیست و سوسیالیستی که با احمدی نژاد دست داده به چماقی علیه کمونیستها در ایران تبدیل کنند! این کار به همان تکنیکهای ویژه ژورنالیسم مزور و نوکر نیاز دارد که اینها در سرش را بخوبی خوانده اند.

اما مفسر بی بی سی پارا از این فراتر میگذازد و حتی ناراضی خود را از این که حکومت اسلامی این دانشجویان چپ و کمونیست را قلع و قمع نمیکند ابراز میکند. بی بی سی

در این تفسیر خود میگوید "در واقع، گرایش به اندیشه های چپ ارتدوکسی در بین بخشی از دانشجویان و مدارای نسبی دستگاههای امنیتی با آنها، سبب شده است که برخی از انجمن های اسلامی دانشگاهها، اصل مساله را به برنامه ای طراحی شده از طرف حکومت برای تضعیف دانشجویان هوادار دموکراسی و لیبرالیسم نسبت دهند!"

در این جمله عمق خصومت مفسر بی بی سی نه فقط با چپ بلکه با هرگونه آزادیخواهی به نحو مشتمز کننده ای بیرون میزند. بی بی سی از رشد چپ و رادیکالیسم در دانشگاهها بشدت ناراضی است. مغز گردانندگان رشد و قدرت ابراز وجود آشکار چپ و رادیکالیسم در ایران تحت حاکمیت توحش اسلامی را نمیتواند حلاجی و هضم کند. سرکوب و اخراج و دستگیریهایی فوج دانشجویان چپ برایشان کافی نیست و آنرا "مدارای نسبی" مینامند. یعنی معتقدند و این پیام را به طور تلویحی به حکومت توحش اسلامی میدهند که باید بیش از اینها کمونیستها را سرکوب کرد. بعلاوه از اینکه جنبش "دموکراسی و لیبرالیسم" (که منظور ایشان همان دوم خرداد و انجمن اسلامی چی ها از یک طرف، و جریانات پروغرب طرفدار سلطنت از سوی دیگر است) در ایران و بطور مشخص در دانشگاهها رنگ باخته و بشدت منزوی و حاشیه ای شده، ناراضیاتی خود را ابراز میکنند. در این تفسیر یک صفحه ای نکات اینچینی و از جمله اینکه گویا علیرغم همه اینها چپها جریان اجتماعی ای نیستند و "صاحبان اندیشه" حرفهایشان را نمیفهمند!، به وفور یافت میشود و اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست.

همانگونه که اشاره شد کار و شغل بنگاههای سخن پراکنی "بستر اصلی" نظیر بی بی سی و سی ان ان و امثالهم همین است. این نوع بنگاههای ژورنالیستی "محترم" و "معتبر" در همه گوشه و کنار دنیا وجود دارند و صدایشان شنیده میشود. جزئی از سیستم های حاکمند. پشتشان گرم است. سرشان به آخر مولتی میلیاردها و دولتها بند است. باید بی طرفی را در حد حفظ ظاهر حقوقی حفظ کنند، اما سیاست و خط و ایدئولوژی رسمی دولتها را به نحو ظریفی که نشود

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

سوسیالیسم

بیا خیز!

برای

رفع تبعیض

گریبانشان را در دادگاهی گرفت پیش ببرند. اینها معمولا در ساختن افکار عمومی نقش دارند. اما دامنه عمل و تاثیرشان علیرغم قدرت عظیمی که پشت سرشان است، نامحدود نیست. امروز مردم وسیعا این نقش و موقعیت اینها را میشناسند و آنرا فرض میکنند. اگر در آمریکای لاتین جریان چپ و گرایش به سوسیالیسم به نحوی توده ای رشد میکند و بر بستر آن نیروهای چپ ضد حکومت آمریکا و دولتهای غربی به سرکار می آیند علیرغم تلاش شبانه روزی و بکارگیری آخرین توطئه ها و مهارتهای همین نوع ژورنالیسم "معتبر" و بستر اصلی علیه کمونیسم و جنبش چپ است. اگر در ایران چپ و رادیکالیسم و کمونیسم رشد میکند و عزیزدردانه های این ژورنالیسم نوکر با تمام تلاشها و پوشش رسانه ای بیست و چهارساعته اینها به حاشیه رانده شده اند، خود گویای اینست که جنبش آزادیخواهانه و رادیکال و سرنگونی طلبی در ایران یک جنبش خام نیست و عمیقا به نقش این رسانه ها آگاه است. بازبهایشان افشا شده است. و نیروها و فعالینی که بار رهبری و پیشروی این جنبش را بدوش میکشند تردیدی ندارند که برای پیشروی باید اینها را خنثی کرد. امروز افشای نقش مخرب این سنخ از ژورنالیسم یک فرض الفبایی در هر مبارزه انسانی و آزادیخواهانه نه فقط در ایران بلکه در هر گوشه دنیاست.*

جامعه ایران جبهه فعال سوسیالیسم در برابر بربریت سرمایه است سخنرانی اختتامیه حمید تقوائی در کنگره ششم



رفقا این کنگره را ما با تاکید بر سوسیالیسم و حزبیت شروع کردیم. در بحث افتتاحیه من گفتم این کنگره سوسیالیسم و حزبیت است و به نظر من بحثهایی که مطرح شد و قطعنامه هائی که تصویب شد کاملاً در همین جهت بود. ما متأسفانه نرسیدیم همه قطعنامه ها و اسناد پیشنهادی را بررسی کنیم ولی چهار قطعنامه اصلی که در این کنگره تصویب شد هم در سطح ایران و گرایش سوسیالیستی که در جنبش کارگری و مبارزات مردم شکل میگیرد، هم در سطح جهانی و شرایط رو به افولی که کلاً نظم نوین جهانی پیدا کرده است، و هم در رابطه با مساله سرنگونی جمهوری اسلامی در دل وضعیتی که بحران هسته ای نامیده میشود، روندهائی که به نظر من سه محور اساسی شرایط سیاسی در ایران و در سطح جهانی است، بحثها و نظرات روشن و منسجم و راهگشائی مطرح کرد. این کنگره با شفافیت و با همدلی و وحدت نظر روشن کرد که حزب شرایط سیاسی دنیا و ایران را چگونه میبیند و چطور تبیین میکند و چطور باید به پیش برود.

انترناسیونال بود، کنگره کاپیتالیست مارکس بود، کنگره سوسیالیسم و انقلاب و کنگره حزب کارگران بود. حزبی که خودش زیر خط فقر است و برای رهایی دنیای زیر خط فقر میجنگد. بحثهایی که در ساعات آخر کنگره داشتیم در مورد مشکلات و مسائل حزب بود و مهمترین مشکل ما مساله مالی است. کنگره نشان داد که چگونه باید به جنگ این مسائل و مشکلات رفت. کنگره بروشنی نشان داد که موتور محرک و قلب حرکت و پیشرویهای حزب ما چیست.

حزب ما فقط برای اداره تلویزیونش به بیش از ماهی ۲۰ هزار دلار نیاز دارد. چطور این پول تامین میشود؟ چطور این حزب در برابر اشعاع و فزونی و این ضربه های متعدد بخودش مثل سنگ خارا میایستد و آنها را از سر میگذراند و همچنان به پیش میرود و قویتر و مستحکم تر میشود؟ این موتور و نیروی محرکه چیست؟ این نیرو همانست که امروز اساس و پایه جنبش انقلابی در ایران را میسازد یعنی اعتراض سوسیالیستی به وضعیت موجود، امید به زیر و رو کردن این وضعیت و برپائی یک دنیای آزاد و برابر انسانی. این دنیا بر دوش کمونیستها و سوسیالیستها و بر دوش جنبشی ساخته میشود که بطور زنده در ایران در حال جریان است. این حزب، در صف مقدم این جنبش است. این حزب در شکل گیری و پیشروی این جنبش نقش داشته است، آنرا نمایندگی میکند و پرچمش را، در عرصه های مختلف مبارزه در سطح ایران و در سطح جهانی، بلند کرده است. رمز پیشرویهای حزب ما علیرغم همه مشکلات و مسائلی که با آن روبروست در همین است.

یک بند قطعنامه کارگری تاکید بر حضور طبقه کارگر در عرصه های مختلف مبارزه بود. امروز این حضور و دخالت طبقه کارگر در عرصه های مختلف بیش از هر زمان دیگری متحقق شده است. باید خیلی بیش از اینها به پیش رفت ولی وقتی وضعیت حاضر را با دوره های گذشته در خود ایران و با جوامع

دیگر در همین مقطع حاضر مقایسه میکنید، می بینید که هیچ جا و هیچ زمان خواستهای کارگری و راه حلهای طبقه کارگر، راه حلهای سوسیالیستی برای مسائل مختلف اجتماعی تا به این حد که در ایران امروز میبینیم در جامعه جا باز نکرده بوده است. پرچم آزادی، پرچم برابری، پرچم مبارزه علیه فقر، پرچم مبارزه برای حقوق کودک، پرچم مبارزه علیه اعدام و سنگسار، مبارزه علیه آپارتاید جنسی، مبارزه برای خلاصی فرهنگی و برای برخورداری از یک زندگی شاد و مدرن که بخصوص جوانان خواهان آن هستند، پرچم سکولاریسم، پرچم ایستادگی مقابل مذهب و تحجر و عقب ماندگی و شرفزدگی، و پرچم مقابله با جنگ از یک موضع انسانی، پرچم همه این مبارزات و عرصه ها پرچم طبقاتی کارگر یعنی نقد و اعتراض سوسیالیستی به دنیای سرمایه است.

این وضعیت سیاسی جامعه ایران در جهان بعد از جنگ سرد یک استثنا است. کسی که از کره زمین فاصله بگیرد، فرض کنید با یک سفینه دور کره زمین بگردد و دوربینی داشته باشد که بتواند فیلم و عکس سیاسی از سراسر کره ارض بگیرد، به شما خواهد گفت که جامعه ای در خاورمیانه هست که به آن ایران میگویند و نبض بشریت در آنجا میزند. در فیلم سیاسی این را میبینید که دنیا قلبی دارد که در ایران میتپد. آیا این غلو است؟ داریم از خودمان تعریف میکنیم؟ به این دلیل این را میگوئیم که "هنر نزد ایرانیان است و بس؟! خیر، دلیل هیچیک از اینها نیست. واقعیت اینست که مبارزه طبقاتی بخاطر شرایط سیاسی معین امروز در جامعه ایران و در سطح بین المللی، در ایران قطبی و حاد شده است. مدل حکومت مذهبی که الان در عراق و افغانستان دارند پیاده میکنند اولین بار در جامعه ایران در مقابل انقلاب ۵۷ و مدتها قبل از فروپاشی بلوک شرق، سر کار آوردند. و این حکومت بویژه بعد از یازده سپتامبر به ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی تبدیل شد و در محور منازعه و کشمکش

با تروریسم دولتی غرب در خاورمیانه، که میتوان آنرا لابراتوار نظم نوین جهانی نامید، قرار گرفت. در جامعه ایران بورژوازی با تمام ابزارها و اهرمهای مافوق ارتجاعی اش بمیدان آمده است، با مذهب و قوانین قرون وسطائی مذهبی و با سرکوب و جنایت و توحشی که فقط در قرون وسطی میشود نظیر آنرا یافت. جمهوری اسلامی زندگی هفتاد میلیون انسان را بیست و هفت سال است به گرو گرفته است اما هیچوقت نتوانسته مردم را مستاصل و نومید و مرعوب کند و وضعیتی نظیر گورستان آریامهری بوجود بیاورد. جبهه انسانیت و جبهه سوسیالیسم در برابر بربریت در ایران زنده و فعال است.

در دوره بعد از جنگ سرد اپوزیسیون و حق خواهی در چهار گوشه دنیا رنگ ملی و مذهبی بخود گرفت. مذاهب مدعی حقوق خود بودند، اقلیتهای قومی کشور و سرزمین و حقوق خود را میخواستند. مرتجع ترین جنبشها و شخصیتها به راه افتادند و هر کس را که در واقع میخواست در برابر هر نوع بیعدالتی و ظلمی بایستد، هر کس را که میخواست بگوید سرمایه بانک جهانی نمیخواهم و میخواست اعلام کند با ریاضت کشی اقتصادی مخالف است، به دنبال خود میکشیدند، به یاد مذهب و نژاد و قوم و قبیله اش میانداختند و "حقوق" سکتی اش را طلب میکردند. این مدل و نرم و الگوی اپوزیسیون و اعتراض در دنیای بعد از جنگ سرد بود. سفینه فرضی ما که کره ارض را مونیاتور سیاسی میکند می بیند که از حدود دو دهه قبل، از اواخر دوره بعد از جنگ سرد، تقریباً تمام اعتراضات رنگ قومی و ملی و مذهبی بخود میگردد و انسانیت و تمدن انسانی زیر پا انداخته میشود. دوره ای که مذهب و ملیت و قومی گرایی همه جا از یوگسلاوی گرفته تا دیگر کشورهای اروپای شرقی و جمهوریهای بازمانده از شوروی، در دل خاورمیانه، و در آفریقا بیداد میکند و در همه جا پرچم این اعتراضات و تحرکات سیاسی اساساً

ملی و قومی و مذهبی است. خصوصیت نظم نوین سرمایه تنها این نبود که دولتها و احزاب حاکم و سیاستهای رسمی همه جا به سیاستهای راست افراطی و فوق ارتجاعی روی آوردند، بلکه سرمایه داری حاکم در اپوزیسیون و در مقابل خودش هم یک محور شر ساخت که زائده ای از خودش بود. و این تنها به تروریسم اسلامی هم محدود نمیشد. انواع نیروهای قومی و ملی و مذهبی فعال شدند و بجان یکدیگر افتادند. کشورسازی بر اساس ناسیونالیسم قومی به یک نرم تبدیل شد. و دیگر صحبتی از حقوق شهروندی در میان نبود بلکه همه خواهان "حقوق" خود بعنوان عرب و کرد و صرب و کروات و مانته نگر و سنی و شیعه و غیره و غیره بودند. فقط یک جاست که این وضعیت در آن مشاهده نمیشود و نه تنها حرف و اعتراض این نیست بلکه اعلام میکند یک کره ارض یک انسان! و این جامعه است که در مونیاتور آن سفینه فرضی به شکل قلب تپنده انسانیت عصر ما ظاهر میشود. یک گوشه دنیا هست که مردم آن مثل مردم بقیه دنیا فقیر اند، تحت فشارند، از وضعیت موجود ناراضی اند، اما مبارزه و اعتراضشان با بقیه دنیا فرق میکند. نمیگویند ما دو هزار و پانصد سال تمدن شاهنشاهی داشته ایم حتماً را بدهید! یا ما جامعه و تمدن اسلامی داریم و باید حقوق مسلمانان را برسمیت بشناسید. در ترکیه اپوزیسیون همین را میگوید، در مصر همینطور و در لبنان و چینیا هم همینطور. در ایران مساله صد و هشتاد درجه متفاوت است چون اسلام در قدرت است و این فقط یک مذهب و یا "حکومت مذهبی" به معنی رایج و کلاسیک کلمه نیست. اسلام امروز نه اسلام عصر فنودالی است و نه حتی اسلام دوره جنگ سرد است. اسلام سیاسی امروز زائده ای است از نظم نوین جهانی. و شما اگر اسلام سیاسی را بنزید به نظم نوین جهانی ضربه زده اید. همانطور که در آن دوره منصور حکمت گفت بلوک

از صفحه ۱

۱۸ تیر، روز اعتراض ...

امروز بیش از هر وقت جامعه در التهاب مبارزه میسوزد. روزی نیست که در این دانشگاه و آن دانشگاه حرکت و اعتراضی نباشد. روزی نیست که در این کارخانه و آن کارخانه تجمع و اعتراضی صورت نگیرد. معلمان نیز بدنبال اعتراضات با شکوهشان اکنون که مدارس تعطیل شده است، در کمین فرصت دیگری هستند که بیرون بیایند و خواستههایشان را پیگیری کنند. همچنین دامنه اعتراضات در جامعه به درون زندان های رژیم کشیده شده است و ما شاهد این هستیم که نامه های اعتراضی از زندان به بیرون داده میشود و لیستی از زندانیان سیاسی خواهان حمایت جامعه از مبارزاتشان میشوند و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، امروز یکی از شعارهای مهم مردم در هر تجمع و مناسبتی است. این در حالیست که ما امروز بیش از هر وقت شاهد اتحاد و همبستگی بین بخش های مختلف این مبارزات هستیم. دانشجویان در دانشگاه در حمایت از کارگران دستگیر شده صندوق حمایت مالی میگذارند و شعار کارگر دانشجو اتحاد به شعار ۱۶ آذرها و اول مه ها و مناسبت های مختلف تبدیل شده است. همه اینها اوضاع و احوال هجده تیر امسال را نسبت به هر سال متفاوت میکند. بویژه با پشت سر گذاشتن ۱۶ آذر سرخ و بالا رفتن پرچم یا سوسیالیسم یا بربریت، با تجمعات هزاران نفره معلمان و تغییر فضای سیاسی جامعه و با اول مه و پیام مهم سیاسی آن در پلاکاردی که میگفت ما انرژی هسته ای نمی خواهیم، ۱۸۳۰۰۰ تومان دستمزد نیز نمی خواهیم؛ ما کارمیکیم تا زندگی کنیم، زندگی نمیکیم که کار کنیم، در هجده تیر امسال ما در شرایط بسیار مساعدتری قرار گرفته ایم و میتوانیم با شعارهای رادیکال، متحد کننده و سرخ خود به استقبال يك هجده تیر که مهر شرایط امروز را به خود داشته باشد برویم. باید به تدارک آن برویم. من در این جا به چند نکته در ارتباط با هجده تیر امسال تاکید میگذارم:

با اعتراض گسترده خود خواهان آزادی فوری و

به این بربریت تاکید بگذاریم.

هجده تیر میتواند فرصتی باشد که با قطعنامه های خود خواهانه اعتراضی فوری مان را اعلام کنیم. اعلام کنیم که دیگر کمیته های انضباطی اجازه حضور در دانشگاهها را ندارند و باید فوراً ملغی شوند. اعلام کنیم که شوراهای اسلامی باید در تمامی کارخانجات متحل شوند و کارگران حق دارند تشکل خود را داشته باشند و خودشان در باره شرایط کارشان تصمیم بگیرند. اعلام کنیم که ما از خواستهای برحق معلمان حمایت میکنیم و تمامی معلمان منفضل از خدمت باید بر سر کارشان بازگردند و داشتن يك زندگی انسانی و مرفه حق همه مردم در جامعه است. اعلام کنیم که حجاب این سبب تحقیر و بربریت باید لغو شود و ما در مقابل تعرض دولت به زنان تحت عنوان مبارزه با بد حجابی و تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه می ایستیم و دفاع میکنیم. اعلام کنیم که محمود صالحی یکی از فعالین کارگری در شهر سقز که قبل از اول مه به جرم اقدام به برپایی این روز در زندان است و همه زندانیان سیاسی باید از زندان آزاد شوند.

هجده تیر میتواند روز اتحاد و همبستگی همه بخش های جامعه در همه عرصه های مبارزه علیه جمهوری اسلامی باشد.

دنیا را به حمایت از مبارزات خود فرا بخوانیم

در شرایط امروز که توجه جهان بسوی ایران و مبارزات مردم جلب شده است، هجده تیر میتواند فریاد اعتراض ما علیه جمهوری اسلامی این سبب جنایت و تروریسم اسلامی باشد. در این روز باید مردم جهان را به حمایت از خواستها و مبارزات برحق خود فرا بخوانیم و با مبارزاتمان و با قطعنامه ها و کيفرخواست خود، سوسیالیسم این آلترناتیو انسانی و بشریت متملن را فریاد کنیم.

باید با این چشم انداز به تدارک هجده تیر برویم و این نقش رهبران اعتراضی در بخش های مختلف جامعه است که این افق را در مقابل خود قرار دهند و به استقبال هجده تیر بعنوان يك روز اعتراض بزرگ علیه جمهوری اسلامی بروند.*

از صفحه ۳ سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی

شرق که فرو پیاشد اردوگاه غرب هم بی معنی میشود امروز هم اگر سر جنبش اسلام سیاسی را بکوبید، که در جامعه ایران میشود این کار را کرد، تعرض سیاسی نظم نوین جهانی و سیاستهای میلیتاریستی غرب بویژه در خاورمیانه که آزمایشگاه نظم نوین جهانی است، معنی و علت وجودی خود را از دست میدهد.

قلب جنبش علیه نظم جهانی سرمایه و برای آرمانهای انسانی، آرمانخواهی ای که اسپارتاکوس اولین تلاشهای آنرا نمایندگی میکرد، امروز در ایران می تپد اما این جنبش اسپارتاکوس نیست. این جنبش کمونیسم کارگری است، جنبش طبقه کارگر است با حزبی، با نقد و اعتراض سوسیالیستی اش و با فعالین و رهبران اش. این کنگره اعلام کرد که ما قدرتمندتر از همیشه در میدان هستیم. مرتجعین دنیا بدانید، جمهوری اسلامی، جناب بوش، سکولاریستهای پست مدرنیست نیمچه مذهبی، لیبرالهای نیمچه ارتجاعی، بدانید که این حزب با پرچم انسان و انسانیت و با پرچم سوسیالیسم و آزادی در برابر کل کمپ بربریت سرمایه ایستاده است. (کف زدن حضار).

فرق مبارزه ما با دوره اسپارتاکوس و با دوره های گذشته چیست؟ این بار طبقه ای پرچم انسانیت را بدوش گرفته است که آزادی کل بشریت به نفع اوست. طبقه ای که آزادی و برابری را میخواهد بخاطر اینکه برای رهائی خودش باید همه بشریت را آزاد کند. وقتی شعار آزادی سرداد، این آزادی بطور واقعی و عینی بجز جابجا کردن يك طبقه استثمارگر با طبقه استثمارگر دیگر معنایی نمیتوانست داشته باشد. در طول تاریخ تمام جنبشها جای طبقه حاکم را با طبقه دیگری عوض کردند و تنها تغییری که بوجود می آمد این بود که شکل معین استثمار عوض میشد. اما طبقه کارگر نمیتواند آزاد شود مگر اینکه کل جامعه طبقاتی را نفی کند. و بنا بر این بطور عینی و بطور واقعی، و نه به این خاطر که کارگران انساندوست اند و به فکر دیگر بخشهای جامعه هستند، طبقه کارگر میتواند و میخواهد تمام بشریت را آزاد کند. امروز این طبقه

هست که به تمام لیبرالهای نیمه مرتجع و سکولارهای نیمه مذهبی و انساندوستان نیمه ملی نیمه قومی اعلام میکند که انساندوستی و سکولاریسم و تمدن واقعی امروز فقط در سوسیالیسم و جامعه سوسیالیستی ممکن است. طبقه کارگر تنها طبقه ای است که میتواند، به نفعش هست، و از قدرت اجتماعی و موقعیت عینی برخوردار است که بشریت را آزاد کند. این طبقه در ایران حزبی را دارد و مبارزه اش را میکند و در راس جنبش آزادی زن، جنبش جوانان، جنبش دفاع از حقوق کودک جنبش خلاصی فرهنگی پرچم نقد سوسیالیستی را برافراشته و به پیش میرود.

این کنگره فقط کنگره يك حزب نیست، کنگره جامعه ای است که فریاد اعتراض سوسیالیستی اش را همه شنیده اند و این فریاد میتواند دنیا را بلرزاند. و حزب ما هست برای اینکه این فریاد را به يك حرکت منسجم سازمان یافته و پیروز تبدیل کند. (کف زدن حضار).

عده ای از کادرها و اعضای حزب در کنگره شرکت داشتند و مستقیماً در بحثها دخالت کردند عده ای از طریق اینترنت مباحث و جلسات کنگره را دنبال کردند که من از همه آنها تشکر میکنم و دستشان را میفشارم و آرزو میکنم روزی بتوانیم همه در يك سالن گرد بیاییم و در مورد آینده

و در مورد سیاستهایمان و در مورد چه باید کرد و امیدوارم آنجا دیگر بعنوان شوراهای تشکیل دهنده جمهوری سوسیالیستی کنگره مان را تشکیل بدهیم و با هم به بحث و گفتگو بنشینیم. در هر حال جای تک تک شما در این کنگره خالی بود. همچنین جای رفقای که بدلیل اعتصاب کارگران اس آ اس و یا به هردلیل دیگری نتوانستند در این کنگره حاضر شوند.

این کنگره يك حزب، يك جنبش و يك جبهه انسانی و متملن است که دنیای معاصر را عمیقاً میشناسد، نقد عمیقی به این دنیا دارد و چه باید کرد و راه حلهايش را هم دارد و عزم جزم کرده است تا این دنیای وارونه را از پایه زیرو رو کند. ما این مبارزه را امروز شروع نکرده ایم، ما در نیمه راه هستیم، پیروزیهای عرصه ای و

نامه به تشکیلات خارج

۳۰ خرداد ۶۰ و تابستان ۶۷

دو تاریخ فراموش نشدنی

از نسل کشی مخالفین سیاسی در ایران

خلیل کیوان

۱۲ جون

پیام به پناهجویان متحصن در شهر استکهلم



جمیل فرزنان

راه انعکاس صدای حق طلبانه شما برای افشاء و به عقب راندن سیاست غیر انسانی دولت سوئد در برخورد به پناهندگان ایرانی باشد.

حزب کمونست گارگری ایران مانند همیشه خود را در مبارزه شما سهیم می داند و در کنار شما خواهد بود. ما مبارزه برای حق و حرمت پناهجویان ایرانی را از مبارزه برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی جدا نمی دانیم. ما همه سازمانها و نهادهای آزادیخواه و مدافع حقوق انسانی را به حمایت از مبارزه پناهجویان متحصن در استکهلم فرا می خوانیم و اعتقاد داریم که تنها با نیروی مشترک صف عظیم و توده ای مدافعان حقوق انسانی است که میتوان با سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد مقابله کرد.

جمیل فرزنان
دیرتشیلات خارج کشور حزب کمونست کارگری ایران
واحد استکهلم
۱۲ ژوئن ۲۰۰۷

اسلامی کنند.

وضعیت جمهوری اسلامی در رابطه با نقض آشکار حقوق ابتدایی بشر بر همگان روشن است. هر روز ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی با اعدام کودکان در ملا عام، سنگسار زنان، آپارتاید جنسی، دستگیری و شکنجه فعالین کارگری و دانشجویی، دستگیری و ضرب و شتم جوانان به بهانه بدحجابی، همراه است. در گزارشات سالانه سازمانهای حقوق بشری در دنیا، ایران همواره در لیست اول ناقضین حقوق انسانی قرار دارد. و دقیقاً به همین خاطر مردم زیادی با تحمل مشقات زیاد به امید یک زندگی انسانی از کشور می گریزند. اما مبنای سیاست پناهندگی دولت سوئد وضعیت غیر قابل تحمل مردم گریخته از خشونت و خفقان نیست بلکه منافع سیاسی و اقتصادی آنها است.

مبارزه پر شور شما در دوره اخیر با اتکا به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که با تحصنی بزرگ در شهر یوتبوری آغاز شد و در ادامه آن اکنون در استکهلم در جریان است تا بحال توانسته است توجه مردم بسیاری را به خود جلب کند. این حرکت می تواند گام بزرگی در

دوستان عزیز،

مایل هستم به نمایندگی از طرف تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در شهر استکهلم به همه شما درود بفرستم.

تجربه چندین ساله مبارزه فدراسیون سراسری نشان داده است که هر جا که پناهجویان بطور متحد و متشکل برای بدست آوردن حق خود به حرکت در آمده اند به دستاوردهای بزرگی رسیده اند. تجربه راهپیمایی بزرگ ۲۱ اپریل ۲۰۰۵ برای امنستی که منجر به تصویب قانون موقت شد، یکی از آن نمونه ها بود. اما برای بسیاری از پناهجویان امید بررسی دوباره و منصفانه پرونده آنها با جوابهای شتابزده و کلیشه ای خیلی زود به یاس نشست.

با روی کار آمدن دولت دست راستی سوئد سیاست پناهنده پذیری دولت سوئد به مراتب سختگیرانه تر شده است. بعد از یک دوره تلاش ناموفق برای اخراج پناهجویان ایرانی با زور و خشونت، اکنون با در پیش گرفتن سیاست رها کردن پناهجویان در بالاتکلیفی بدون برخورداری از حق کار و تحصیل قصد دارند که با تحمیل یک جنگ فرسایشی به پناهجویان آنها را وادار به بازگشت به جهنم جمهوری

۳۰ خرداد ۶۰ داشته باشد. شک نیست با توجه به نفوذ این سازمان و استقبالی که بنا به تجربه از اقدامات فدراسیون شده است، این قدام نیز با استقبال مواجه خواهد شد. امیدوارم مسئولین فدراسیون و عبدالله اسدی دبیر فدراسیون واحد سوئد که خود مستقیماً در استکهلم در کار سازماندهی این تحصن است، فرصت کنند و به این امر نیز بپردازند.

جمهوری اسلامی ایران تاریخ خون آلودی را برای مردم ایران رقم زده است. در واقع طی حاکمیت آدمکشان اسلامی در ایران، همه روزها، روز قتل عام ها و کشتارها است، اما برخی روزها و ماه ها و سالها فراموش نشدنی است، از جمله تابستان ۶۷ که هزاران زندانی بخون کشیده شدند. امسال باید برنامه های وسیعی بیاد عزیزانی که در تابستان ۶۷ بخون کشیده شدند تدارک بینیم. همه کمیته ها و واحدهای حزب در خارج لازم است که این موضوع را فوراً در دستور کار خود وارد کنند. باید از همین حالا برای آن کار کنیم. اگر طرح، پیشنهاد یا نکته ای در این مورد بنظرتان میرسد، به اطلاع ما برسانید تا بطور سازمانیافته و وسیع از آنها استفاده کنیم. *

پیشنهادتان را میتوانید از طریق همین صفحه انترناسیونال به گوش ما برسانید. منتظر نظر و پیشنهاد شما هستیم. انترناسیونال
anternasional@yahoo.com

از صفحه ۴ سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی

بشریت در یک گوشه دنیا آزاد میشود و در همه جای دنیا ورق بر میگردد. آن سفینه ای که ناظر اوضاع بود در ایران سوسیالیستی به زمین می نشیند و همه ما، همه آزادخواهان دنیا، آستینها را بالا میزنیم و در گیر ساختن یک جهان سوسیالیستی میشویم. به امید امروز! پیروز و موفق باشید. *

به سالگرد قتل عام های ۳۰ خرداد ۶۰ نزدیک میشویم. تدارک و برگزاری کنگره و گرفتاریهای دیگر اجازه نداد به موقع به بسیاری از کارها بپردازیم. یکی از اینها، برنامه ریزی و اقدام برای سالگرد ۳۰ خرداد ۶۰ است.

۳۰ خرداد ۶۰ سر آغاز کشتارهای وسیع و سازمانیافته در ایران است. در سال های پیش اطلاعاتی ها و مطالبی در باره کشتارهای ۳۰ خرداد منتشر و به زبان های مختلف نیز ترجمه شده است. باید به آرشیو مراجعه و آنها را برای چاپ و توزیع آماده کنیم. باید افکار عمومی را بیش از پیش از این جنایات و نسل کشی سازمانیافته مطلع سازیم.

فقط یک هفته وقت داریم. باید هر جا که امکان داریم به این مناسبت برنامه هایی برگزار کنیم. واحد ونکور حزب پیشقدم شده است و در تدارک یک آگسیون، یک اقدام سمبلیک است. به این مناسبت فراخوان به تجمع میدهد. قرار است از مردم بخواهند که با عکس عزیزانی که از دست داده اند، در محلی تجمع کنند. در این مورد سخنرانی و میکروفون آزاد داشته باشند، میز کتاب برپا کنند و ...

واحدهای دیگر میتوانند این الگورا دنبال کنند.

جا دارد، فدراسیون پناهندگان ایرانی که از دیروز تحصن یک هفته ای را در استکهلم آغاز کرده است، در طی تحصن خود برنامه ای مناسبت

مقطعی کم نداشته ایم اما بخش اعظم کار مانده است و پیروزی نهائی هنوز در راه است. ما وقتی پیروزییم که بتوانیم در جامعه ایران قدرت را از چنگ سرمایه داری بیرون بیاوریم. و انسانیت و ارزشهای انسانی را به محور و اساس جامعه تبدیل کنیم. این پیروزی از صدها کنگره و قطعنامه قویتر و موثر تر خواهد بود.

در سالگرد ۳۰ خرداد

هالوکاست اسلامی را پیش چشم جهانیان افشاء کنیم

در پیش جهانیان گرفت. باید اعلام کرد که مردم ایران حکم به رفتن این رژیم داده اند و حمایتی هرچه وسیعتر از مبارزه توقف ناپذیر کارگران، زنان و جوانان ایران جلب کرد.

۳۰ خرداد روز سخن گفتن قربانیان هالوکاست اسلامی و روز مبارزه برای نابودی رژیم کثیف اسلامی است. شما را به برپائی و شرکت در اجتماعات اعتراضی ۳۰ خرداد فرا میخوانیم.

کرامی یاده خاطره قربانیان ۳۰ خرداد و هالوکاست اسلامی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

میلیونها مادر و پدر و خواهر و برادر را به سوگ عزیزان خود نشانند. روز ۳۰ خرداد در مراکز شهرها در تظاهرات هایی که برپا میشود، شرکت کنید. عکس عزیزان و آشنایان از دست رفته خود را با خود بیاورید. تجارب و مشاهدات خود را بیان دارید و با صدای بلند اعتراض خود به حکومتی که در خون و اعدام و جنایت متولد شد و همچنان بر سر کار است را، اعلام دارید.

باید جنایت جمهوری اسلامی را که دولتها، احزاب حاکم و میدیا در غرب در مورد آن سکوت میکنند را

مردم آزادخواه!

۳۰ خرداد، روز تولد خونین جمهوری اسلامی فرا میرسد. ۳۰ خرداد ۶۰ سر آغاز کشتارهای وسیع و سازمانیافته در ایران است. به خیابان بیابید و علیه این هالوکاست اسلامی که دهها هزار نفر از بهترین فرزندان شما را به خون کشید و نابود کرد اعتراض کنید. به دنیا بگوییم که اوباش اسلامی حاکم بر ایران چگونه هر روز دهها و صدها را اعدام میکردند و اسامی آنها را در روزنامه ها اعلام میکردند. بگوییم که چگونه هرکس را که در خیابان شبیه اوباش الله نبود را دستگیر میکردند. که چگونه کودکانی را به جرم پخش یک اعلامیه اعدام کردند و چگونه

نه بمب اتم، نه انرژی هسته ای آلترناتیو دیگر چیست؟

روز دوشنبه، محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی اتمی، نگرانی خود را از بحران هسته ای در ایران اعلام کرده و خاطر نشان کرد که گفتگو و توسل به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل، و نه خشونت و رویارویی، راه حل بیرون آمدن از این بن بست است. مدت مدیدی است که عباراتی چون بحران هسته ای، ساختن بمب اتم، استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی برای تولید الکتریسیته و دیگر استفاده های "غیر نظامی" و غیره را میتوان بطور روزمره و به وفور در اخبار رسانه ها و در میزگردهایشان با "کارشناسان" این امور شنید. رژیم اسلامی ادعا میکند که هدفش از غنی سازی اورانیوم و ساختن راکتورهای اتمی استفاده "غیر نظامی" و "صلح آمیز" (صلح آمیز و رژیم اسلامی دو کلمه کاملاً متناقضند!) از انرژی هسته ای بوده و قصد ساختن بمب اتم و استفاده از آن را ندارد. کشورهای غربی نیز این ادعا را باور نداشته و در صددند که جلوی فعالیتهای هسته ای رژیم اسلامی را بگیرند. البته شکی در این نیست که رژیم اسلامی برای کویین میخ اسلام سیاسی در منطقه و در جهان، و برای بیرون آمدن از بن بست داخلی خود که همانا تهدید سرنگونیش توسط مردم است، دست به ساخت بمب اتمی هم میزند و اگر لازم بداند، که میداند، از آن استفاده هم خواهد کرد. ۲۸ سال اعدام و قتل عام مخالفین خود گواه بر این ادعاست. کشورهای غربی و آمریکا نیز نه از روی دلسوزی برای مردم بیگناهی که توسط بمبهای اتمی نسلشان منقرض خواهد شد، بلکه بدلیل اثبات اتوریته خود در جهان و ناتوانیشان در کنترل فعالیتهای اتمی رژیم اسلامی در آینده است که با آن مخالفند و گرنه نشانه های اولین استفاده از بمب اتم در دنیا توسط خود آمریکا هنوز بر پوست شهروندان هیروشیما و ناکازاکی عیان است.

دعوا ظاهراً بر سر استفاده "نظامی" و "غیر نظامی" از انرژی هسته ای است. مخالفت با استفاده نظامی آن که بر همگان عیان است و نیازی به استدلال ندارد. ولی بسیاری بر این باورند که استفاده "غیر نظامی" از انرژی هسته ای برای

زندگی بشر و از بین رفتن هر دو میشود.

پلوتونیوم ماده ایست که هم بعنوان سوخت راکتورهای اتمی برای تولید انرژی و هم در ساخت بمب اتم از آن استفاده میشود. ۸ کیلوگرم پلوتونیوم کافی است تا بتوان بمب



اتمی مانند بمبی که در ناکازاکی ژاپن توسط آمریکا استفاده شد درست کرد. این در حالی است که فقط در سال ۲۰۰۰ معادل ۳۱۰ تن پلوتونیوم، که معادل ۳۴۰۰۰ بمب اتمی است، تولید شده است. استخراج، تصفیه و غنی سازی اورانیوم و تولید پلوتونیوم رادیواکتیوهای تولید خواهد کرد که تمامی محیط خود، از زمینهای اطراف گرفته تا منابع آبهای زیرزمینی، کشتزارهای اطراف، کارخانه محل تولید و ابزارآلات آن و بطور کلی تمامی اکوسیستم انسانی را آلوده خواهد کرد. برخی از این رادیواکتیوها عمر بسیار طولانی داشته و تا صدها هزار سال پس از تولید نیز تجزیه نشده و از بین نخواهند رفت. بعنوان مثال ۲۴ هزار سال طول خواهد کشید تا پلوتونیوم ۲۳۹ (نوعی از پلوتونیوم مورد

استفاده در راکتورهای اتمی) از بین برود. این به این معناست که تا ۲۴۰۰۰ سال این پلوتونیوم بر خطر و زیان آور برای بشر و محیط زیستش باقی خواهد ماند. حمل و نقل زائده های راکتورهای اتمی نیز پر مخاطره و بسیار خطرناک می باشد. تا به امروز نیز دانشمندان و محققین انرژی هسته ای، راه بی خطر، مطمئن و سالمی را که به محیط زیست و بشر صدمه وارد نیاورد پیدا نکرده اند. تا کنون کشورهای استفاده کننده انرژی اتمی این زباله های اتمی را در طبیعت، کوهپایه ها و اعماق زمین و رودخانه های کشورهای فقیر آفریقایی و آسیایی در قبایل رشوه به سران این کشورها و به قیمت جان شهروندانشان، ریخته اند. این زباله ها و آلودگیها، جدا از درصد بالای حادثه ها و واقعه های ناگوار در این راکتورهای اتمی است. حادثه سال ۱۹۸۶ در چرنوبل روسیه فقط یک نمونه از این قبیل حوادث است.

در دنیای کنونی، با کشفیات جدید در مورد انرژیهای آلترناتیو، منابع تجدید شدنی انرژی با استفاده از طبیعت موجود (Renewable Sources) دیگر نیازی به استفاده از انرژی هسته ای و نیروگاههای اتمی نیست. منابع آلترناتیو انرژی بسیار زیادی کشف شده اند از جمله بیوانرژی، انرژی خورشیدی، انرژی هیدروژنتی، بادی، جزرو مدی، و انرژی حرارتی. اینها فقط لیست این منابع هستند که توضیح در مورد آنها در حوصله این مقاله نبوده و آنرا به زمان دیگری موکول میکنم. اینها انرژی موجود در طبیعت بوده که بدون و یا با کمترین آسیب به محیط زیست و زندگی بشر هم اکنون قابل استفاده اند. دلیل بکار گرفته نشدن این منابع انرژی سیستم سرمایه داری مبتنی بر سود است. زیرا مادام که نیروگاههای اتمی کار کرده و به قیمت زیان فراوان برای کره زمین و ساکنانش، سود آور هستند، و مادام که کشفیات و بکار گیری منابع جدید، هزینه دیر خواهد داشت، این مالکان جان و زندگی مردم بی توجه به عواقب استفاده از انرژی هسته ای، برای تولید هر چه بیشتر پول و ثروت، محیط زیست و انسانها را به هر



سعید پرتو

فاجعه ای خواهند کشاند. در همین حال، در نزد این سرمایه داران برخورداری از امکانات ساختن بمب اتم و در کلوب صاحبان بمب اتم بودن مترادف است با ابرقدرت بودن و حرف آخر را زدن و سهم بیشتری از جهان داشتن.

بی خطر و امن بودن انرژیهای آلترناتیو برای بشر و محیط زیست ثابت شده است در حالی که بر عکس، با خطر و زیان آور بودن انرژی هسته ای برای بشر و محیط زیست نیز کاملاً ثابت شده است. پس چرا باید انرژی و نیرو را صرف ساخت نیروگاههای اتمی کنیم و به انرژی هسته ای روی بیاوریم؟

با توجه به عوارض گفته شده در بالا، می بایستی بجای روی آوردن و نیرو گذاردن روی انرژی هسته ای استفاده از آن را ممنوع کرده و در عوض تحقیقات روی منابع طبیعی انرژی را شروع کرده و استفاده از آن را ترویج کرد. همچنین با ممنوع کردن استفاده از انرژی هسته ای، چه نظامی و "غیر صلح آمیز" آن برای ساختن بمب اتم، و چه غیر نظامی و "صلح آمیز" آن برای تولید انرژی، میتوان هر گونه ابتکار عمل را از رژیمهای جنایتکاری چون رژیم اسلامی برای ساختن بمب اتم، و همینطور از تمامی کشورهای دارای امکانات ساختن بمب اتم گرفته و از قتل عام انسانهای بیگناه جلوگیری کرد. در همین حال نیز میتوان از محیط زیست، محیط انسانی و بشریت حفاظت کرده و از طبیعت برای تولید انرژی استفاده کرد. به امید اینکه در جمهوری سوسیالیستی ایران پس از رژیم اسلامی، هر گونه "استفاده" و سو استفاده از انرژی هسته ای را به مثابه تلاشهای غیر انسانی نظامیهای سرمایه داری، به موضوعاتی مورد بحث در کتابهای تاریخ بسپاریم! *

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۱۰ شب بوقت اروپای مرکزی حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم ۴۲، فونت ۱۴، فاصله نرمال - word

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

نامه ها

تیتراها از انترناسیونال است

کمونیسم ما به دوره جدید پا گذاشت

امید رهائی در این نوشته کوتاه میخوام نظرم را در باره کنگره ۶ حزب بیان کنم به اعتقاد من، کنگره ۶ به نیازهای جنبش سرنگونی طلبی ایران و مجموعه جنبشهای فعال درون آن، یعنی جنبشهای کارگری، زنان و جوانان، از نظر هدایت فکری جواب درخور داد و ز این منظر یک موفقیت به حساب میاید و باید از تمامی رفقای رهبری حزب تشکر کرد. این کنگره اثبات کرد که حزب کمونیست کارگری قادر است با اتکا به فعالین کمونیست، رهبران عملی اعتراضات کارگری و سایر اعتراضات اجتماعی در جنبش، به قدرت سیاسی برسد و جامعه ایران را با داریت کمونیستی در جهت رسیدن به دنیای بهتر و انسانی رهنمون سازد. تصویب قطعنامه های "رشد گرایش سوسیالیستی در حرکتیهای اعتراضی مردم و عروج کمونیسم کارگری"، "خطر جنگ و ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی"، "افول نظم نوین جهانی و زمینه های تعرض تازه چپ در سطح دنیا"، در این کنگره نشاندهنده عزم جزم رهبری حزب و جنبش کمونیسم کارگری برای سازماندهی و رهبری انقلاب در راه مردم ایران و یک سره کردن تکلیف قدرت سیاسی توسط حزب است. به این کنگره باید از زاویه رشد نفوذش در داخل و در فاصله بین دو کنگره اشاره کرد و این کاملا از تعداد پیامها به حزب، تعداد کادرهای قلم زن که در نشریات حزب نوشته دارند قابل مشاهده است. حزب پیش از پیش در حال رشد است و این نشاندهنده قدرت حزب و یکی از فاکتورهای تعیین کننده در امید به این باور است که ما میتوانیم و قادریم در بازی قدرت در آینده سیاسی جامعه مهمترین طرف کسب قدرت باشیم. به گزارش نگاه کنیم و به صداقت کمونیستی حزب در برخورد به واقعیات مبارزه و درک اصولی از نقاط ضعف و قدرت حزب که به دقت بیان شد را ببینیم. این خود یکی از قدرت های حزب در برخورد به دنیای واقعی بیرون ماست که با درک بالای

تئوریک کمونیسم کارگری حزب، قادر به جوابگوئی آن خواهیم بود. در این شکی نباید داشت. کمونیسم ما، کمونیسم کارگری بعد از دهه ها با نقد واقعیتهای دنیای امروز به دوره جدید پا گذاشت و در این رابطه نیز با جوابگوئی به مشکلات مبارزه طبقاتی طبقه کارگر ایران و جنبش سرنگونی طلبی مردم، از این دوره نیز سربلند بیرون خواهد آمد. کنگره ۶ این را اثبات کرد و بدون شک با تلاش کمونیستهای کارگری موفقیت را به مبارزات مردم هدیه خواهیم کرد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری
زنده باد انقلاب

این شخصی دارد با ما حرف میزند گذشته ما را نقد میکند راه آینده را نشان می دهد

هوآ تازه از بردن روزنامه شرق به کارخانه تا ضبط مراسم کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری و تماشای آن در جمع کارگری را فقط مدیون اولین سیلی خلیل کیوان به ما که در جواب نامه انتقادی یکی از دوستانم به او که چرا اینگونه به دوم خرداد برخورد می کنید، چرا کنفرانس برلین را بهم زدید و غیره... که در جواب گفته بود شما جزو جنبش ملی مذهبی هستید. ما ماندم یعنی چی؟ ما و ملی مذهبی !!!؟ همین ما را واداشت از طریق سایت روزنه با افکار منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری آشنا بشویم و جقدر خوب دنیای وارونه را توضیح داده بودند و چه خوب جایگاه مبارزه قبلی ما را توضیح داده بودند. با آشنا شدن با نشریات حزب به دیدگاه های حمید تقوایی - مصطفی صابر - مینا احدی - شهلا دانشفر - نوید مینایی و غیره در مورد وقایع جلوی روی جنبش آشنا شدم. جقدر انسانی حرف می زنند. هر وقت مقالات منصور حکمت را می خواندم به دوستانم میگفتم این شخص دارد با ما حرف میزند. گذشته ما را نقد میکند. راه آینده را نشان می دهد. کنگره ۶ نیز همین کار را کرد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران
گزیده ای از نامه هایی که شهلا

دانشفر در رابطه با برنامه های تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر" دریافت کرده است و برای انتشار به انترناسیونال ارسال کرده است.

هر کاری بتوانم انجام خواهم داد

با سلام!
من اخبار مهم کارگری را برایتان ای میل خواهم کرد. و برای احقاق حق مردم ایران هر کاری که بتوانم انجام خواهم داد. لازم به ذکر است که منطقه گازی جدیدی به نامه پارس شمال تا آخر سال ۸۶ راه اندازی خواهد شد که با پارس جنوبی پنجاه کیلومتر فاصله دارد من اخبار این منطقه را نیز برای شما خواهم فرستاد. فرهاد

دوست عزیز فرهاد

با تشکر از شما که پاسخ نامه ام را دادید. حتما ما در جریان اخبار و گزارشاتی که گفتید قرار دهید. خبر برای ما یعنی حضور. یعنی اینکه با دنبال کردن دقایق اعتراضات کارگران بتوانیم در آن نقش ایفا کنیم و دخالت داشته باشیم. یعنی تامین حضور حزب در مراکز کارگری هر چه بیشتر و هماهنگ کردن اعتراضات کارگری در سطحی گسترده تر و سراسری تر. یعنی امکان متصل شدن به مراکز کارگری هر چه بیشتر و تقویت خط رادیکال و معترض در مبارزات کارگران در سطحی وسیعتر. بنابراین اهمیت کاری که میکنید کاملا روشن است. از شما میخوام که از محیط کارتان، شرایط کار و مسایل اعتراضی کارگران برابان بنویسید. با ما در تماس نزدیک باشید تا با همفکری و هماهنگی با هم بتوانیم نقش موثری در پیشبرد اعتراضات در این منطقه داشته باشیم. بسیار خوشحالم که به کمک شما میتوانیم یک پوشش خبری وسیعی در این منطقه و پارس جنوبی و شمالی که در حال احداث است داشته باشیم. طبعاً یک مساله مهم تامین حضور ما کمونیستها در محیط های کارگری است. بطوریکه تاثیر خود را بر مبارزه کارگران و مناسباتشان در محیط کار و زندگیشان بگذارد. وجود کمونیستها در هر کجا نتیجه مستقیمش را باید در متحد شدن کارگران و در رادیکالیسم مبارزاتشان و نیز در روابط انسانی و مدرن در خانواده و در محله و در هر کجا که هستند

نشان دهد. منتظر نامه های شما هستم.

شهلا دانشفر

این بحثها را بیشتر داشته باشید

خانم دانشفر سلام
سهراب هستم، به اصغر کریمی سلام برسانید و بگویند که واقعا بحث های ایشان در مورد سوسیالیسم عالی بود. این بحث ها را بیشتر داشته باشید.

زنده باد جلیل جلیلی و هیئت همراهِش نامه جمعی از کارگران شرکت واحد

ما جمعی از کارگران شرکت واحد هستیم و میخواستیم از جلیل جلیلی بخاطر اقدام شکوهمندش در اجلاس سازمان جهانی کار و پایین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی تشکر کنیم. عکس او در حالت پایین آوردن پرچم عکسی تاریخی است. زنده باد جلیل جلیلی و هیئت همراهش

این بحثها را بنویسید

سلام خانم دانشفر برنامه شما در مورد سالگرد ۳۰ خرداد ۶۰ که با اصغر کریمی داشتید را دیدم. عالی بود. بحث های جالبی شد. این بحث ها را بنویسید. همانطور که خودتان گفتید جوانی که نمیداند ۳۰ خرداد چه گذشت، درک عمیقی از اینکه چرا انقلاب ۵۷ شکست خورد و اتفاقاً اینکه چرا امروز تنها راه انقلاب و بقول شما سوسیالیسم است پیدا میکند. راستش هر وقت شما با اصغر کریمی گفتگو دارید من دوستان را خبر میکنم میگویم باز خانم دانشفر و اصغر کریمی بحث دارند. صحبتهایتان هماهنگ و بحث هایتان عمیق و جالب است و تسلط شما به بحث ها و اداره بحث و اظهار نظر کردن های بموقع برنامه را جذاب تر میکند. واقعا دستتان درد نکند.

این کتاب مورد علاقه خلیلی هاست

سلام

در فاصله یک هفته، نامه های زیادی به رهبری حزب میرسند. در این صفحه، فقط تعداد کمی از نامه های رسیده به اعضای رهبری حزب، نامه هایی که به انترناسیونال ارسال شده اند درج میشوند.

انترناسیونال

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:
انگلیس:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تاراه های دیگر را به شما معرفی کنیم. نقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که بیلد اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

ما کتابی که مجموعه ای از مقالات در مورد مباحث کارگری است و کمیته سازمانده آترا جمع آوری کرده است را به خیلی از دوستان داده ایم. این کتاب حتی مورد علاقه دوستانی بوده که با حزب نیستند و بحث های آترا آموزنده دیده اند و بعضا دوستانی سراغ این مجموعه را میگیرند. از اینگونه مجموعه ها و جزوات بیشتر تهیه کنید. ما را در جهت آموزش و بردن مباحث حزب به درون محافل و جمع های کارگری کمک میکند. به شما خسته نباشید میگویم.

مصطفی



گوشه ای از تحصن با شکوه پناهجویان در شهر استکهلم
برای اطلاع مفصلتر از این تحصن به سایت روزنه مراجعه کنید
www.rowzane.com

سکولاریست سال و فعال رک گو در دفاع از حقوق زن سخنرانی مریم نمازی در دانشگاه آکسفورد

دانشجویان، مریم نمازی را بعنوان رهبری حزب کمونیست کارگری ایران معرفی کرد.

لازم به یادآوری است که تهیه کنندگان این گزارش که همیشه نظر سران دولتها را جویا می شوند، در این گزارش اعلام می کنند تروریسم ربطی به مذاهب ندارد و باید در ادیان و بویژه اسلام تحقیق کرد تا جنبه های مثبت آن "کشف" گردد. این گزارش مورد تأیید بسیاری از دول غربی قرار گرفته است. مریم نمازی در سخنرانی اش به نقد عمیق و همه جانبه این گزارش پرداخته است و عرصه های نبرد در دنیای امروز را بدقت مورد بحث قرار داده است.

کمیته روابط بین المللی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ ژوئن ۲۰۰۷

شخصیت هنری و سیاسی معروف دیگر دعوت کرده است تا در سخنرانی ها و مناظره ها شرکت کنند. در دعوت نامه ای که برای مریم نمازی ارسال شده است از جمله چنین آمده است که ما افتخار می کنیم از شما بعنوان سکولاریست سال و یک فعال رک گو در دفاع از حقوق زن دعوت کنیم تا در این مورد که آیا مذهب مسئول در تروریسم جاری است، در یک مناظره شرکت کنید و سخنرانی داشته باشید. در ادامه این دعوت نامه آمده است ما فکر می کنیم که سهم شما در این نشست خصوصا بخاطر عقاید پابرجا و تجاربتان بعنوان یک نویسنده و فعال سیاسی فوق العاده خواهد بود. پیش از سخنرانی، سخنگوی اتحادیه

اتحادیه دانشجویان دانشگاه آکسفورد با ۱۸۲ سال قدمت که از معروف ترین مراکز بحث و مناظره در سطح جهان محسوب می شود، همیشه از معروف ترین شخصیت های بین المللی و سران دولتها دعوت می کند تا در مناظره ها و سخنرانی هائی که ترتیب می دهد شرکت کنند. اینبار از مریم نمازی و "گروه استراتژیستهای تیک تنک" (تهیه کننده گزارش "نقش مذهب در اشاعه تروریسم") خواسته است تا در تاریخ ۳۱ مه به بحث و مناظره در مورد گزارش فوق پردازند. این اتحادیه طی سه دهه گذشته از اشخاصی چون ریچارد نیکسون، ریگان و بیل کلینتون تا نلسون ماندلا و مادر تریسا و مایکل جاکسون و دهها

فعالین حزب کمونیست کارگری ایران صدای اعتراض کارگران ایران را در اجلاس سازمان جهانی کار منعکس کردند!

کمونیست کارگری نسبت به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی و مزدوران خانه کارگر و شوراها اسلامی در کنفرانس ای ال او همچنین اطلاعیه کمیته خارج کشور حزب نیز به همراه این اسناد برای ارائه به کنفرانس به مسئولین کنفرانس داده شد. جلیل جلیلیل از رئیس جلسه خواست تا محتوایات نامه های اعتراضی کارگران و حزب و همچنین متن سخنرانی را از پشت بلندگو به اطلاع شرکت کنندگان در اجلاس برساند. در همین حال اعضای هیات حزب، نشریه ویژه کمیته همبستگی "کارگران در ایران" و نامه های اعتراضی بخش های مختلف کارگران ایران و اطلاعیه های حزب را در تمام سالن ها در میان نمایندگان سازمان های کارگری از کشورهای مختلف پخش کردند که از سوی آنها با ابراز سمپاتی مورد توجه قرار گرفت. همزمان در بیرون محل کنفرانس نیز تجمعی اعتراضی توسط مخالفین جمهوری اسلامی با خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار جریان داشت.

بدین ترتیب بار دیگر صدای اعتراض کارگران ایران و خواست اخراج نمایندگان حکومت ضد کارگری اسلامی از سازمان جهانی کار توسط فعالین حزب کمونیست کارگری در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار منعکس گردید. حزب کمونیست کارگری همه سازمانهای کارگری و انساندوست را به مبارزه و تلاشی فعال و متحدانه برای اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی و شوراها اسلامی و "خانه کارگر" از سازمان جهانی کار فرا میخواند.

امروز جمعی از فعالین حزب کمونیست کارگری در سالن کنفرانس سازمان جهانی کار حضور یافتند و صدای اعتراض کارگران ایران به سرکوب گری های جمهوری اسلامی و به حضور مزدوران شورای اسلامی و خانه کارگر در سازمان جهانی کار را منعکس کردند.

امروز ۸ ژوئن هیئتی از سوی کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران، به مسئولیت جلیل جلیلی، از کادرهای حزب به محل کنفرانس سازمان جهانی کار "آی ال او" در ژنو رفت. این هیات ساعت ۱۰ صبح وارد ساختمان آی ال او شد و موفق گردید که کارت ورودی به جلسه را دریافت کند. اعضای هیات حزب ابتدا به سالی رفتند که در آن پرچمهای کشورهای مختلف نصب شده بود. رفتای ما به نشانه اعتراض به حضور رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار، پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیدند. پس از آن اعضای هیات حزب به سالی که نمایندگان سخنرانی میکردند وارد شدند و در این سالن جلیل جلیلی باصدای بلند اعلام کرد که میخواهد از جانب کارگران ایران سخنرانی کند و اعتراض کارگران را به گوش نمایندگان کنفرانس برساند. مسئولین کنفرانس مانع سخنرانی او شدند. تلاش مجدد نماینده حزب نیز ناموفق ماند اما هیئت حزب متن سخنرانی جلیل جلیلی و پوشه ای حاوی نامه های اعتراضی کارگران ایران از جمله نامه کارگران ایران خودرو، نامه جمعی از کارگران شرکت واحد، جمعی از کارگران شرق تهران، و نامه اعتراضی جمعی از کارگران نسبت به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در این اجلاس را نیز جهت اطلاع نمایندگان به رئیس جلسه ارائه داد. نامه اعتراضی کمیته همبستگی کارگری حزب

دعوت به همکاری

نشریه انترناسیونال در عرصه های مختلف زیر نیاز به همکاری دارد:

صفحه بند، گزارشگر، مصاحبه، پیاده کردن سخنرانیها و مصاحبه ها

رفتایی که مایلند در عرصه های فوق با انترناسیونال همکاری کنند سریعا با سردبیر

انترناسیونال تماس بگیرند. اسامی همکاران انترناسیونال در ستون همکاران

انترناسیونال اعلام خواهد شد. جزئیات و نحوه همکاری متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.

انترناسیونال

آدرس تماس: anternasional@yahoo.com

سمینار مینا احدی و حمید تقوائی در چت روم پلتاک

در مورد:

اهمیت و جایگاه کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" Ex-muslims

و پاسخی به مدعیان

زمان: جمعه ۲۵ خرداد ۸۶، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۷، ساعت ۸ شب بوقت اروپای مرکزی

مکان: اتاق Iran - darbAre kampeyne Ex-Muslims bA Ahadi va Taqvai Middle East

در نسخه قدیمی پلتاک روی کاتگوری Iran در نسخه جدید کلمه Iran را در بالای لیست کاتگوری ها جستجو (search) کنید.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

ژوئن ۲۰۰۷ - ۱۸ خرداد ۱۳۸۶